



هتل کریمسون

مایکل فرین | مسعود خانی

نمایشنامه‌های انگلیسی (۷)

هتل کریمسون



Theater
studies

مایکل فرین

هتل کریمسون

نمایشنامه‌ای در یک پرده

ترجمه مسعود خانی



تماشاگران

نویسنده: مایکل فرین

مترجم: مسعود خانی

براساس نسخهٔ Bloomsbury Publishing

منتشرشده در سال ۲۰۱۶ میلادی

ویراستار و نمونه‌خوان: احسان زیورعالم

سال انتشار: بهار ۱۴۰۲ خورشیدی

صفحه‌آرا: استودیو متفه

با تشکر از محمد فتحی

The Hotel Crimson: Michael Frayn

Translation: Massoud Khani

Editor: Ehsan Zivaralam

Special Thanks: Mohammad Fathi

۲۰۲۳ March

هرگونه استفاده و بهره‌برداری از این اثر (نظیر ساخت فیلم یا سریال یا اجرای صحنه، کتاب صوتی، نمایشنامه‌خوانی و...)،

منوط به اجازهٔ کتبی از مترجم است.

عکس روی جلد اجرای داگلاس هاج در جولای ۲۰۰۷ با حضور پیتر کاپالدی و لیندسی مارشال.

نشر بوم

تقدیم به محسن محمدی
برای تمام رفاقتش

مایکل فرین در سال ۱۹۳۳ در لندن متولد شد و زبان روسی، فرانسه و علوم اخلاقی (فلسفه) را در کالج امانوئل کمبریج^۱ خواند. او کار خود را به عنوان روزنامه‌نگار در روزنامه‌های گاردین منچستر^۲ و آبزرور^۳ آغاز کرد. از نمایشنامه‌های برنده جایزه وی می‌توان به ترتیب حروف الفبا^۴، ساختن و شکستن^۵ و شلوغ کاری موقوف^۶ اشاره کرد که همگی جوایز بهترین کمدی سال را دریافت کردند، در حالی که خیرخواهان^۷ به عنوان بهترین نمایشنامه سال انتخاب شد. دو نمایشنامه اخیر وی، کپنهاگ^۸ و دموکراسی^۹ نیز جوایز زیادی را به دست آوردند (از جمله تونی^{۱۰} در نیویورک و جایزه مولیر^{۱۱} در پاریس برای کپنهاگ). در سال ۲۰۰۶، سال‌های الاغی^{۱۲} سی سال پس از اجرای آن در وست‌اند احیا شد. او چهار نمایشنامه آخر چخوف را ترجمه کرده، منتخبی از نمایشنامه‌های یک پرده‌ای و داستان‌های کوتاه او را تحت عنوان عطسه^{۱۳} درام‌پردازی کرده و اولین نمایشنامه بدون عنوان او را با عنوان غسل وحشی^{۱۴} اقتباس کرده‌است. رمان‌های وی شامل به سوی پایان صبح^{۱۵} (در ایالات متحده آمریکا، علیه آنتروپی^{۱۶})،

۱- Emmanuel College, Cambridge

۲- Manchester Guardian

۳- Observer

۴- Alphabetical Order

۵- Make and Break

۶- Noises Off

۷- Benefactors

۸- Copenhagen

۹- Democracy

۱۰- Tony

۱۱- Prix Moliere

۱۲- Donkeys' Years

۱۳- The Sneeze

۱۴- Wild Honey

۱۵- Towards the End of the Morning

۱۶- Against Entropy

نیرنگ آن^۱، فرود روی خورشید^۲، سربرگ^۳ و جاسوس‌ها^۴ است. آخرین کتاب او اثری فلسفی بود، لمس/انسان^۵. او با زندگی‌نامه‌نویس و منتقد، کلر تومالین^۶ ازدواج کرده‌است.

رمان:

مردان حلبی^۷ (۱۹۶۵)، مترجم روسی^۸ (۱۹۶۶)، به سوی پایان صبح – در آمریکا علیه آن‌روپی (۱۹۶۷)، یک زندگی کاملاً خصوصی^۹ (۱۹۶۸)، رویاهای شیرین^{۱۰} (۱۹۷۳)، نیرنگ این (۱۹۸۹)، فرود روی خورشید (۱۹۹۱)، حالا تو می‌دانی^{۱۱} (۱۹۹۳)، بعد از صدای بوق صحبت کنید، مطالعاتی در هنر^{۱۲} (۱۹۹۵)، سربرگ (۱۹۹۹)، جاسوس‌ها (۲۰۰۲)، اسکیوس^{۱۳} (۲۰۱۲)

نمایشنامه:

دو نفر از ما – چهار نمایشنامه یک‌پرده‌ای (سیاه و نقره‌ای، آقای فوت، مردان

-
۱. The Trick of It
 ۲. A Landing in the Sun
 ۳. Headlong
 ۴. Spies
 ۵. The Human Touch
 ۶. Claire Tomalin
 ۷. The Tin Man
 ۸. The Russian Interpreter
 ۹. A Very Private Life
 ۱۰. Sweet Dreams
 ۱۱. Now You Know
 ۱۲. Beep: Studies in the Art of Communicating With Speak After The Inanimate and Semi-Animate Objects
 ۱۳. Skios

چینی، کیشوت جدید) برای دو نفر^۱ (۱۹۷۰)، به ترتیب حروف الفبا و سال‌های
الافی (۱۹۷۷)، ابرها^۲ (۱۹۷۷)، ترجمه باغ آلبالوی چخوف^۳ (۱۹۸۷)، بالمورال^۴ (۱۹۷۸)،
ترجمه میوه‌های روشنگری تولستوی^۵ (۱۹۷۹)، تالار آزادی^۶ - نسخه بازبینی‌شده
بالمورال (۱۹۸۰)، ساختن و شکستن (۱۹۸۰)، شلوغ‌کاری موقوف (۱۹۸۲)، ترجمه
سه خواهر چخوف^۷ (۱۹۸۳، بازبینی ۱۹۸۸)، ترجمه شماره یک ژان آنوی^۸ (۱۹۸۴)،
خیرخواهان (۱۹۸۴)، ترجمه عسل وحشی چخوف (۱۹۸۴)، مجموعه شماره یک
نمایشنامه‌ها (۱۹۸۵)، ترجمه مرغ دریایی^۹ چخوف (۱۹۸۶)، ترجمه دایی و انیا^{۱۰} چخوف
(۱۹۸۶)، بالمورال - نسخه بعدی بازبینی‌شده (۱۹۸۸)، عطسه - براساس داستان‌های
کوتاه و نمایشنامه‌های چخوف (۱۹۸۸)، اولین و آخرین^{۱۱} - فیلمنامه (۱۹۸۹)،
صراف^{۱۲} - ترجمه و اقتباس یوری تریفونوف^{۱۳} (۱۹۹۰)، گوش بدین به: اسکیس‌ها
و مونولوگ‌ها^{۱۴} (۱۹۹۰)، جیمی در پروازی برای دیدار و تولد^{۱۵} (۱۹۹۰)، لوک
لوک^{۱۶} (۱۹۹۰)، تماشاگران^{۱۷} (۱۹۹۰)، مجموعه شماره دو نمایشنامه‌ها (۱۹۹۱)،

۱. The Two of Us, four one-act plays for two actors - Black and Silver,

Mr. Foot, Chinamen, and The new Quixote

Clouds ۲

The Cherry Orchard ۳

Balmoral ۴

The Fruits of Enlightenment ۵

Liberty Hall ۶

Three Sisters ۷

Number One ۸

The Seagull ۹

Uncle Vanya ۱۰

First and Last ۱۱

Exchange ۱۲

Yuri Trifonov ۱۳

Listen to This: Sketches and Monologues ۱۴

Jamie on a Flying Visit; and Birthday ۱۵

Look Look ۱۶

Audience ۱۷

اینجا^۱ (۱۹۹۳)، ویوت زیبا^۲، نسخه‌ای از هلن زیبا^۳ نوشته ژاک اوفنباخ^۴ (۱۹۹۸)، هشدارها و گشت و گذارها: بیشتر از نمایشنامه از یکی^۵ (۱۹۹۸)، کپنهاگ (۱۹۹۸)، مجموعه شماره سه نمایشنامه‌ها (۲۰۰۰)، دموکراسی (۲۰۰۳)، پس از زندگی^۶ (۲۰۰۸)، تئاتر مچ‌باکس: سی سرگرمی کوتاه^۷ (۲۰۱۴)

غیر داستانی:

روز سگ – مقالاتی از گاردین^۸ (۱۹۶۲)، کتاب فاب^۹ – مقالاتی از گاردین (۱۹۶۳)، در حاشیه شهرها^{۱۰} – مقالاتی از آبرور (۱۹۶۴)، ساحل، گر استریت^{۱۱} – مقالاتی از آبرور (۱۹۶۷)، مایکل فرین اصلی^{۱۲} – چهار مجموعه قبل به اضافه نوزده مقاله جدید از آبرور (۱۹۷۰)، سازوکارها، یک جلد درباره فلسفه^{۱۳} (۱۹۷۴)، راز سلیا: یک تحقیق^{۱۴} (عنوان ایالات متحده: مقاله‌های کپنهاگ^{۱۵})، با دیوید بورک^{۱۶} (۲۰۰۲)، لمس انسان: سهم ما در خلقت جهان^{۱۷} (۲۰۰۶)، دستورالعمل‌های صحنه‌ای: نوشتن درباره تئاتر^{۱۸} – مسیر ورود او به تئاتر و مجموعه‌ای از مقدمه نمایشنامه‌های

۱. Here

۲. La Belle Vivette

۳. La Belle Hélène

۴. Jacques Offenbach

۵. Alarms and Excursions: More Plays than One

۶. Afterlife

۷. Matchbox Theatre: Thirty Short Entertainments

۸. The Day of the Dog, articles reprinted from The Guardian

۹. The Book of Fub

۱۰. On the Outskirts

۱۱. At Bay in Gear Street

۱۲. The Original Michael Frayn

۱۳. Constructions, a volume of philosophy

۱۴. Celia's Secret: An Investigation

۱۵. The Copenhagen Papers

۱۶. David Burke

۱۷. The Human Touch: Our part in the creation of the universe

۱۸. Stage Directions: Writing on Theatre

او، ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۸ (۲۰۰۸)، سفرهایی با ماشین تحریر^۱، مجموعه‌ای از قطعات سفری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ برای گاردین و آبزرور (۲۰۰۹)، ثروت پدر من: یک زندگی – خاطرات فرین از دوران کودکی^۲ (۲۰۱۰)، در میان دیگران: دوستی‌ها و برخوردها (۲۰۲۳)، خاطرات دیگر^۳.

۱. Travels with a Typewriter

۲. My Father's Fortune: A Life, a memoir of Frayn's childhood

۳. Among Others: Friendships and Encounters, another memoir

هتل کریمسون برای اولین بار در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۷ در دانمار و رهوس^۱ لندن اجرا شد.

بازیگران:

لوسین ^۲	لیندزی مارشال ^۳
پیلو ^۴	پیتر کپلدی ^۵
دودین ^۶	جان هاجکینسون ^۷
بیبت ^۸	جودیت اسکات ^۹
کارگردان	داگلاس هاج ^{۱۰}
طراح صحنه	ویکی مورتیمر ^{۱۱}
طراح نور	پل کانستبل ^{۱۲}
طراح صدا	کرولاین داونینگ ^{۱۳}

۱. Donmar Warehouse

۲. Lucienne

۳. Lyndsey Marshal

۴. Pilou

۵. Peter Capaldi

۶. Dodine

۷. John Hodgkinson

۸. Bibette

۹. Judith Scott

۱۰. Douglas Hodge

۱۱. Vicki Mortimer

۱۲. Paule Constable

۱۳. Carolyne Downing

موسيقى
استو باركر^١ و داغلاس هاج
طراح حركات
كرولينا والدس^٢

بیابان، ۱۹۱۰.

پیلو نمایشنامه‌نویس و لوسین بازیگر وارد می‌شوند.
پیلو یک سبد و فرش مخصوص پیک‌نیک پیچازی و
لوسین یک چتر همراه دارد.

لوسین	اما کی قراره برسیم اونجا؟
پیلو	سینه‌سرخ ^۱ من، تقریباً نزدیکیم!

لوسین می‌یستد.

لوسین	چند ساعته داریم راه می‌ریم!
پیلو	پس داریم می‌رسیم. بیا به نگاهی بندازیم، ببینیم چی می‌تونیم ببینیم.

لوسین	هیچ چی نمی‌بینم!
پیلو	منم.

لوسین	هیچی؟
-------	-------

پیلو	هیچی.
------	-------

لوسین	اوه!
-------	------

پیلو	هیچ چی جلو رومون نیست...
------	--------------------------

۱- Chickadee سینه‌سرخ یا چرخ ریسک آمریکایی

لوسین	ولی تو گفتی!
پیلو	هیچ چی این طرف...
لوسین	قول دادی!
پیلو	هیچ چی اون طرف...
لوسین	می دونستم این راهش نیست!
پیلو	هیچ چی پشت سرمون نیست...
لوسین	اصلاً بر نمی گردیم!
پیلو	فقط کویره. فقط یه دشت خالی، تا جایی که از هر جهت چشم می ببینه، کش اومده. متروک و هرز که تنها مشخصه اش چندتا رد پای آخرمونه، حتی تا نگاه می کنیم تو ماسه های رونده ناپدید می شه.
لوسین	کاملاً گم شدیم!
پیلو	اصلاً. اونجاییم!
لوسین	اونجاست؟
پیلو	جایی که همیشه دل مون می خواست باشیم!
لوسین	وسط ناکجا؟
پیلو	بالاخره با هم تنها!

پیلو سبد پیک نیک را می اندازد و او را در آغوش می گیرد.

اوه، گنجیشک^۱ کوچیک من! حسابی مشتاق این لحظه بودم!

چی کار می کنی؟

لوسین

سرم را به آغوش بگیر! واسه بازکردن عزیزترین دکمه ها و
زیپ های کوچک به دورت می پیچم!

پیلو

صبر کن، صبر کن...

لوسین

لوسین / او را جدا می کند.

چیه، کبوتر^۲ من؟

پیلو

فکر کردم تو راه هتلیم.

لوسین

هتل؟

پیلو

این هتل تو نمایشنامه اته. آنها به هتلی می روند.

لوسین

آقای پاپلارد^۳ و خانم کلوش^۴؟

پیلو

آقای پاپلارد و خانم کلوش. آنها به هتل کوچک آبرومندانۀ تمیز
و جذابی می روند.

لوسین

دقیقاً!

پیلو

با کاغذ دیواری زرشکی^۵ و پرده های مخمل زرشکی!

لوسین

۱. Sparrow

۲. Pigeon

۳. M Papelard

۴. Mme Cloche

۵. کریمسون در لغت به رنگ زرشکی گفته می شود.

پیلو	و ببین چه اتفاقی می‌افته! بقیه تو پاریس به همون هتل کوچک آبرومندانه تمیز و جذاب می‌رن!
لوسین	البته. چون خیلی آبرومندانه تمیز و جذابه.
پیلو	و از جمله بسیاری از مشتری‌هاش، آقای کلوش، شوهرشه.
لوسین	اون تو اتاق ۳۲۲ هست. آقای پاپلارد و خانم کلوش تو اتاق ۲۳۳ن.
پیلو	نه، چون باربر لوچ هتل اعداد رو اشتباه خونده!
لوسین	حداقل اونا تو یه اتاقن!
پیلو	بله - اتاق ۳۲۲.
لوسین	حداقل اونا چهار تا دیوار اطرافشون دارن!
پیلو	سه دیوار.
لوسین	سه دیوار؟
پیلو	سه دیوار و مخاطب.
لوسین	اوه، پوف، پس باید امیدوار باشم! یه نکته کوچیک دقیق درباره آقای پینیون ^۱ وجود داشت و من هر شب تو نمایش ادامه می‌دم -
پیلو	نمایش کوچیک طفلی.
لوسین	نمایش فوق‌العاده شما...
پیلو	فارس کوچیک طفلکی؛ ولی با بازی فوق‌العاده تو در نقش خانم کلوش خارق‌العاده شد. (او را در آغوش می‌کشد.) با دکمه‌های

کوچیک گران قیمت! زیپ‌ها و حلقه‌های کوچیک نفیس تو!
(لوسین او را از خود جدا می‌کند.)

بله، بله، اما اگه مخاطب نداشته باشیم فایده‌ای نداره.

لوسین

چی داری می‌گی، سهره^۱ من؟ می‌خوای یه مخاطب / اینجا ما رو
تماشا کنه؟

پیلو

نه، ولی دیوارها!

لوسین

دیوارها رو می‌خوای؟

پیلو

دیوارها رو می‌خوام!

لوسین

اما، کاه‌سهره^۲ کوچیک من، اگه اینجا یه دیوار باشه... اینجا،
آره؟

پیلو

او به آن تقه‌ای می‌زند. محکم به نظر می‌رسد.

و اینجا.. و اینجا..

لوسین

او به آنها تقه می‌زند. کمتر محکم به نظر نمی‌رسد.

پس طرف دیگه اونا چیه؟

پیلو

اون طرف دیگه؟ دو جناح صحنه تئاتره دیگه.

لوسین

۱- Goldfinch فنچ طلایی

۲- Chaffinch نوعی سهره

پیلو طرف دیگه اونا شوهر ته! دیوارها واسه همینه! تا اونو از ما دور کنه و ما رو از اون!

لوسین می دونی؟

پیلو اما اگه اینجا یه دیوار باشه... اینجا؟

لوسین بله، بله.

پیلو پس اینجا چیه؟

لوسین یه چیز وحشتناکه، مطمئن ام.

پیلو اینجا یه دره و اگه در باشه... (او در را باز می کند. در صدا می دهد.) ... باز می شه! این واسه همین یه دره! باز بشه! من اونو می بندم... (او آن را می بندد. صدا می دهد.) و ناگهان... (آن را باز می کند. ناله می کند.)

لوسین صبر کن. چی کار می کنی که باعث می شه اون صدا دربیاد؟

پیلو چی، این؟ (او در را باز می کند. ناله می کند.) به راحتی باز می کنم؛ اما اگه ببندمش... (او در را می بندد. دوباره ناله می کند.) ناگهان می دونم که —

لوسین صبر کن. صبر کن. (او در را باز می کند. ناله می کند.) مته اون؟

پیلو می دونی؟

لوسین آن را می بندد. دوباره ناله می کند.

لوسین کاملاً آسونه!

پیلو وحشتناک آسونه. می تونی مطمئن باشی یهو همون کاریه که انجام می ده. (او در را باز می کند. ناله می کند.) باز می شه و در پیاده روی شوهرت.

لوسین آقای کلوش؟

پیلو آقای کلوش؟ آقای دودین!

لوسین اوه، شوهرت.

پیلو شوهرت.

لوسین آقای دودین آقای کلوشه.

پیلو تو نمایشنامه من همونه. اما، لیت^۱ من، این نمایشنامه من نیست که ما اینجا اجرا می کنیم! وقتی این در باز می شه... (او در را باز می کند. ناله می کند.) ... این آقای کلوش نیست که می آد تو، چون تو نمایشنامه بزرگ زندگی، تو خانم کلوش نیستی، تو خانم دودینی و این آقای دودینه که از این در می آد داخل.

لوسین نه... (او آن را می بندد. ناله می کند.) ... اگه اون رو قفل کنیم. (او آن را با صدای قابل شنیدن قفل می کند.)

پیلو قفلش کردی؟

لوسین چرا که نه؟

پیلو اونا تو نمایشنامه اونو قفل نمی کنن.

او با صدای قابل شنیدن، قفل در را باز می کند.

لوسین اما ما این کار رو می کنیم. (او آن را قفل می کند.) ما از اشتباهات
اونا درس می گیریم.

پیلو بسیار خوب، ما اون رو قفل می کنیم.

لوسین به اطراف اتاق نگاه می کنم. کاغذ دیواری زرشکی رو می بینم...

پیلو پرده زرشکی...

لوسین آباژور زرشکی کوچیک...

پیلو و احساس می کنی که می دونی کجایی.

لوسین احساس می کنم...

پیلو امن.

لوسین امن.

پیلو اما این یه احساس توهمیه. اصلاً در امان نیستی. اینجا یه کمد
لباسه. یادته؟ (کمد لباس را باز می کند. جیر جیر می کند.) اگه
اونقدر بزرگ باشه که بتونه عموزاده دهاتی دوقلوی آقای کلوش
تو اون پنهون بشه، مطمئناً به اندازه کافی بزرگه تا شوهرت رو
هم پنهون کنه! (او آن را می بندد. دوباره جیر جیر می کند.)
فقط سرم رو تو آغوشت فرو بردم، بذارید بگم، همون جوری که
به دورت می پیچم تا اون چفت و بست های ناچیز رو پیدا کنم...

لوسین بله، بله.

پیلو ... وقتی، بدون هیچ خطاری، کمد چارطاق می شه...

صدای باز شدن کمد لباس.

لوسین

مگه اینکه اول اون رو بررسی کرده باشیم!

او با صدای قابل شنیدن آن را می‌بندد.

پیلو

اما صندلی مطلای سنگین روی چرخ‌های عظیم هم وجود داره...

او آن را حرکت می‌دهد. غوغا می‌کند.

لوسین

با تودوزی زرشکی!

پیلو

که پشت اون، انگلیسی مست اتاق ۳۲۱ پیدا می‌شه...

لوسین

خواب سنگین!

پیلو

و میز جلوی مبل، به سبک امپراتور دوم.

لوسین

با شامپاین توی یخ!

لوسین صدای جرینگ آن را در سطل درمی‌آورد.

پیلو

و یه سفره بلند رومیزی —

لوسین

سفره رومیزی زرشکی!

پلو

پنهون کردن برزیلی با بوی بد دهن!

سفره رومیزی را بلند می‌کند.

پیف!

باهم

او با عجله سفره رومیزی را به جای خود بازمی‌گرداند.

همه جستجو شد، همه بررسی شد! کل اتاق، از بالا تا پایین!
اما، پپیت^۱ من، در مخفی اتاق ۳۲۳ رو فراموش می‌کنی. (او
یک دکمه را فشار می‌دهد. صدای یک در مخفی که به طرز
چشم‌گیر و دراماتیکی باز می‌شود). ... که ما هیچ چی در
موردش نمی‌دونیم!

لوسین

پیلو

ما در ابتدای پرده در مورد اون چیزی نمی‌دونیم. (او دکمه را
فشار می‌دهد. صدای در مخفی که به طرز چشم‌گیری بسته
می‌شود) اما در حوالی پایان پرده...

لوسین

به طرز چشم‌گیری چرخیده و باز شده... (صدای در که به
طور چشم‌گیری چرخیده و باز می‌شود). ... تا شوهرت رو
آشکار کنی!

پیلو

و تو اتاق پرده‌هایی هست که می‌تونم پشت اونا قایم بشم! (او
آنها را با صدای جرینگ جرینگ حلقه‌های برنجی پرده عقب
می‌کشد). پرده‌های مخملی زرشکی! فکر کردم می‌خوای منو
به هتلی با پرده‌های مخمل بنفش ببری!

لوسین

- پیلو چکاوک^۱ کوچولوی من...
- لوسین تو واسه خانم کلوش یه هتل با پرده‌های مخملی زرشکی می‌نویسی!
- پیلو من خود خانم کلوش رو هم نوشتم!
- لوسین البته! این خانم کلوشه که عاشقشی، نه من!
- پیلو و واسه کی من خانم کلوش رو نوشتم؟ اونو واسه تو نوشتم، دم‌جنبونک^۲ کوچیک من!
- لوسین واقعاً؟
- پیلو می‌دونم که نوشتم!
- لوسین می‌دونم که نوشتم.
- پیلو و همه چیز رو واسه خانم کلوش نوشتم - این پرده‌های مخمل بنفش... (او آنها را با صدای جرینگ جرینگ حلقه‌های برنجی پرده عقب می‌کشد)... اون چراغ‌های برقی کوچیک با آباژورهای زرشکی... (به سمت عقب، به طرف در می‌دود)... که با یه کلیک کلید روشن و خاموش می‌شن... (او کلید را خاموش و روشن می‌کند)... کل هتل - که واسه شما نوشتم!
- لوسین می‌دونم که چقدر اونو دوست دارم.
- پیلو می‌دونم چقدر دوستش داری.
- لوسین قلب بخشندهٔ اون.
- پیلو روش شیرین و ظریف اون واسه گفتن «اوه، آقای پاپلارد!» وقتی سرش رو تو آغوش اون فرو می‌بره.

۱- Chiffchaff

۲- Wagtail نوعی گنجشک

پیلو سر خود را در آغوش او فرو می‌برد.

لوسین

اوه، آقای پیلو!

پیلو

اوه، لوسین!

لوسین

می‌دونی که چقدر ستایش می‌کنم!

پیلو

می‌دونی چقدر دوست دارم.

لوسین

فقط اینکه وقتی گفتم، ما با هم خواهیم رفت...

پیلو

تو اون پرده‌های زرشکی رو دیدی. اما باور کن، اسفرود بی‌دم^۱ کوچک من، این بهترین هتلیه که تو رو آوردم. واسه ساخت این هتل، از تجربیات گسترده‌ای بهره بردم که طی بیست و سه نمایشنامه خودم از هتل‌ها داشتم، از تموم دانشم در مورد بلایایی کسب کردم که پشت دیوارها و درها و وسایل زرشکی کمین کردن. من واسه‌ات یه سویت وسیع و مجلل رو تصور کردم که سقف اون طاق بهشته و دیوارهاش شفافیت‌های بی‌کران هوای کویره.

لوسین

چطور هر زنی می‌تونه در برابر دستور صحنه‌ها مقاومت کنه؟

پیلو

تالاری که به ظرافت علامت‌گذاری و هدایت می‌شه... (او فرش پیچازی را پهن می‌کند). ...یه کنترپوان پیچیده از زرشکیه، بله، لاجوردی هم، از زرد آفتابی، از دونه‌های سفید برف و از سیاه نیمه‌شب، زیر اون هیچ فضایی واسه کوچک‌ترین غافل‌گیری برای کمین کردن وجود نداره، همون‌طور که به شکل آقای کلوش، واسه خانم کلوش هم هست.

لوسین

منظورت اینه ما باید...؟

۱- Dabchick نوعی پرنده شبیه اردک

پیلو	منظورم دقیقاً همین‌ه.
لوسین	روی این فرش؟
پیلو	روی این فرش مسافرتی که با رنگ‌های کاخ سلطنتی اسکاتلند، متحد باستانی ما تزئین شده.
لوسین	که هرکسی می‌تونه ما رو ببینه؟
پیلو	کسی نیست که ما رو ببینه!
لوسین	تو روز روشن؟
پیلو	هرچی نور روز بیشتر باشه، بهتر می‌تونیم ببینیم کسی نیست که ما رو ببینه!
لوسین	اما اگه شوهرم، از سر شانس عجیب و غریبم، یهویی باید ظاهر بشه...
پیلو	اینجا؟ تو این نقطه کاملاً تصادفی تو وسط ناکجا؟
لوسین	تو این نمایشنامه، به طور ناگهانی و با یه اتفاق عجیب ظاهر می‌شه...
پیلو	... تو هتلی که آبرومندانه تمیز و جذابه، با وسایل زرشکی تو حومه پاریس! اما دیگه! چون اون از ملاقات فرضی خانم کلوش، از خاله بیمار خودش تو اورلئان سود می‌بره تا با دوست خودش خانم توکی ^۱ قرار ملاقات بذاره. اگه، خدای نکرده، آقای دودین از درمان مقرر شده تو، با آبگرم صحرایی واسه بحران روحی به قصد قرار ملاقات سود می‌برد —
لوسین	یه قرار ملاقات؟ دودین؟ با کی؟

پیلو	خدا می‌دونه! با دوشیزه بیبت —
لوسین	با مادمازل بیبت؟
پیلو	بیا بگیم، واسه جلو بردن بحث ^۱ .
لوسین	اون گاو چاق که نقش خانم توکی رو بازی می‌کنه؟
پیلو	دور از ذهن‌ترین فرضیه‌ای که می‌تونم انتخاب می‌کنم.
لوسین	اون هفته‌ها بهش چشم داشت.
پیلو	مطمئن‌ام که کوچک‌ترین علتی واسه اضطراب وجود نداره.
لوسین	اون اهمیتی نمی‌داد!
پیلو	البته که نمی‌داد. اما اگه این کار رو کرد... اگه این کار رو کرد... اگر قرار بود... پس اونو می‌برد هتل. تقریباً مطمئنم یه دونه با وسایل زرشکی و به احتمال زیاد کمدهای بزرگه. اگه، با یه احتمال حتی عجیب و غریب.
لوسین	اونم همین ایده‌تو رو داشت!
پیلو	که بعید به نظر می‌رسه، از اونجا که شوهر محترمت که به استعدادهای اون احترام می‌ذارم، به ویژه تو نقش برجسته و کاملاً شایسته احترام آقای کلوش ما، به هر حال اصلاً یه نمایشنامه‌نویس نیست —
لوسین	نه - اون تهیه‌کننده است!

لوسین را در آغوش می‌کشد.

۱- خالی نبودن عریضه یا یک در هزار

پیلو و معتقدم، هیچ تمایل بیش‌تری واسه غافل‌گیر شدن به دست دودین تهیه‌کننده ندارم، اون جوری که غافل‌گیر می‌شی!

لوسین بیست و دو تا نمایشنامه نوشتی؟

پیلو بیست و سه.

لوسین اون صد و بیست و سه تا تولید کرده! اون حداقل به اندازه تو از خطرات هتل‌های آبرومند و جذاب خبر داره!

پیلو پس، با تطابق کاملاً غیرقابل تصویری از بدترین شرایط اتفاق افتاده و...

لوسین چیه؟

پیلو خدای من!

پیلو/از او دور می‌شود.

لوسین چه اتفاقی داره می‌افته؟

پیلو اینجاست! شوهرت!

لوسین کجا؟

پیلو اونجا!

لوسین کجا؟ کجا؟

پیلو یا اونجا! یا اونجا! یا هرجایی! از هرکدوم جهت‌ها اون می‌آد. صحنه رو پیش‌نویس می‌کنم.

لوسین اون اینجا نیست؟

هیچ کس اونجا نیست! ببین! اما ناگهان...	پیلو
ناگهان، بله!	لوسین
اون تو افق ظاهر می شه.	پیلو
ممکنه.	لوسین
و افق، غاز ^۱ کوچیک من، چهار و نیم کیلومتر از جایی که ایستادیم فاصله داره.	پیلو
چهار کیلومتر و نیم؟	لوسین
اگه سر ما از سطح زمین یه متر و نیم بالاتر باشه.	پیلو
تو اینو اندازه گیری کردی؟	لوسین
اونو تو دایره المعارف جستجو کردم.	پیلو
چهار و نیم کیلومتر؟	لوسین
چهار کیلومتر و نیم.	پیلو
لوسین به خودش اجازه می دهد تا روی فرش بنشیند.	
و از کجا اندازه می گیریم؟	لوسین
از جایی که نشستیم... (او قد لوسین را در حالت نشسته تخمین می زند که برخلاف وقتی است که ایستاده.) با سرهامون هفتاد و پنج سانتیمتر بالاتر از سطح زمین... (کنارش می نشیند.) افق هنوز دو کیلومتر و دویست و پنجاه متر فاصله داره.	پیلو

- لوسین دو کیلومتر و دویست و پنجاه؟ و فرض کنید که ما...؟
- پیلو ننشسته؟
- لوسین ننشسته نیست.
- پیلو اما عوضش باغ‌های بهشت رو با هم کاوش می‌کنیم؟ (لوسین را آرام روی فرش ولو می‌کند.) با سر ما، صفر متر بالاتر از سطح زمین؟
- لوسین پس ما دیگه اصلاً نمی‌بینیمش!
- لوسین می‌نشیند.
- پیلو پس اون می‌آد اینجا، به سمت ما، بله؟
- لوسین و بلافاصله اون ما رو می‌بیند!
- پیلو چطور راه می‌ره، توکای طوق‌دار^۱ کوچیک من؟
- لوسین چطور؟ معلومه با انگشتای پا!
- پیلو معلوم شد با انگشتای پا؟
- لوسین این روش اونه واسه راه رفتن!
- پیلو معلوم شد با انگشتای پا. دقیقاً. روی پاهاش. با سری یک متر و نیم بالاتر از زمین.
- لوسین پس اون دید خیلی خوبی نسبت به ما داره!

پیلو	یه نمای عالی! و ما کجاییم؟
لوسین	روی فرش!
پیلو	تو افق! چهار کیلومتر و نیم دور! (او دوباره به آرامی لوسین را روی فرش ولو می‌کند.) اون فکر می‌کنه «عجیبه». «من می‌تونم یه چیزی رو ببینم، بعضی از ویژگی‌ها تو زباله‌های بدون ویژگیه». اون مسیر رو نسبت به ما تغییر میده. (لوسین می‌نشیند.) بیا بگیم، به خاطر ساده‌کردنش، به‌طور ثابت با سرعت نه کیلومتر در ساعت نزدیک می‌شه. الان تو هتل بسیار آبرومند و جذاب من، جذاب‌ترین محتاط‌ها رو پیدا کردیم. ما سی دقیقه وقت داریم تا اکتشاف خودمون تو باغ‌های بهشت رو به پایان برسونیم و بعدش دکمه‌های خودمون رو دوباره ببندیم و چفت و بست‌های خودمون رو دوباره چفت کنیم. وقت رسیدن اون، خوشبختانه درگیر یه کار کاملاً بی‌عیبیم. آره؟
لوسین	بله... (او دوباره روی فرش قرار می‌گیرد، می‌نشیند.) چیه؟
پیلو	چی؟
لوسین	با چه خوشبختی درگیر پیگیری یه کار کاملاً بی‌عیبیم؟
پیلو	گیاه‌شناسی ^۱ . (آنها به اطراف نگاه می‌کنند.) مصرشناسی ^۲ ... یا بله! ما در حال تمرین پیش از اجرایم!
لوسین	تمرین پیش از اجرا؟
پیلو	ما واسه کمی تمرین آرام به فنا رفتیم.
لوسین	چی تمرین می‌کنیم؟
پیلو	نمایشنامه! به تمرین نیاز داره!

لوسین

این کار رو درست انجام نمی‌دم؟

لوسین خیلی سریع روی پاهایش می‌پرد.

پیلو

گران‌بهای من، تو این کار رو کاملاً عالی انجام می‌دی.

پیلو با تقلا روی پاهایش می‌ایستد.

لوسین

این آقای پینیونه! این روشیه که اون نقش آقای پاپلارد رو بازی می‌کنه! این کار رو واسه‌ام غیرممکن می‌کنه!

پیلو

ما بدون آقای پینیون بهتر می‌شیم.

لوسین

اما کی نقش آقای پاپلارد رو بازی می‌کنه؟

پیلو

من نقش آقای پاپلارد رو بازی می‌کنم.

لوسین

تو نقش آقای پاپلارد رو بازی می‌کنی؟

پیلو

همیشه می‌خواستم نقش آقای پاپلارد رو بازی کنم! تا سرم رو تو آغوش تو فرو کنم...

پیلو سر خود را در آغوش لوسین فرو می‌برد.

لوسین

بله، بله. اما چطوری آقای پاپلارد رو بازی می‌کنی؟

پیلو چطور؟ با اعتقاد پرشور^۱!

پیلو دوباره سر خود را در آغوش او فرو می برد.

لوسین اما خطوط!

پیلو خطوط؟

لوسین شما خطها رو نمی دونی!

پیلو یه جدید می نویسم!

لوسین جدید بنویسی؟

پیلو همون طور که پیش می رم.

لوسین اونا چی می شن؟

پیلو الهام گرفته شده!

لوسین بذار بشنوم.

پیلو می خوام تمرین کنی؟

لوسین بله.

پیلو تمرین تمرین؟

لوسین واسه اینکه تو یه مکان امن باشی.

پیلو خیلی خوبه. سرم را تو آغوشت فرو می برم —

لوسین	صبر کن!
پیلو	صبر؟
لوسین	ابتدا وارد می شیم.
پیلو	ابتدا وارد می شیم. البته. در را باز می کنیم... (او در را باز می کند. ناله می کند. لوسین را وارد می کند و در را می بندد. دوباره ناله می کند.) به اطراف اتاق نگاه می کنی. کاغذ دیواری زرشکی رو می بینی...
لوسین	بله، بله.
پیلو	پرده های زرشکی، آباژور کوچک زرشکی...
لوسین	بله، بله، بله.
پیلو	می دونی کجایی، احساس امنیت می کنی. در رو قفل می کنیم...
آن را با صدای قابل شنیدن قفل می کند.	
لوسین	ما در رو قفل نمی کنیم!
با صدای قابل شنیدن قفل آن را باز می کند.	
پیلو	بازنویسی کنید. قفلش می کنیم. همون طور که پیشنهاد دادی! (او آن را با صدای قابل شنیدن قفل می کند.) ما هر جاهایی از اتاق رو به دنبال شوهرهای پنهان شده می گردیم —

نه، نه —

لوسین

پیلو

بله! بیشتر باز نویسی های شگفت انگیز شما! (کمد و صندلی را
با صدای قابل شنیدن و سریع بررسی می کند.) کمد لباس...
صندلی... میز... چرا قبلاً به این فکر نمی کردم؟

و من به سمت تو می چرخم و می گم...

لوسین

پیلو

هیچی نمی گی. قطع شده. سرم رو تو آعوشت فرو می برم.
ناامیدانه با غزن ها دست و پنجه نرم می کنم^۱.

و بعدش می گم...

لوسین

پیلو

اصلاً هیچی. یه برش دیگه. ما روی تخت فرو می رویم...

آنها روی فرش درهم فرو می روند و فنرهای تخت خواب
غوغا می کنند.

چراغ های برق!

لوسین

چراغ های برق؟

پیلو

حداقل چراغ های برق رو خاموش کن!

لوسین

دوباره با عجله بلند می شود. فنرهای تخت خواب غوغا
می کنند.

۱- چیزی خط خطی می کنم.

پیلو کلید رو کجا گذاشته بودم؟

لوسین کنار در!

پیلو کنار در... (او آن را در عجله می‌یابد. کلیک.) زمین تاریکه! کجایی؟

لوسین اینجا، عزیزم! (او فنرهای تخت را به حرکت درمی‌آورد.) باز کردن دکمه‌ها واسه تو! باز کردن غزن‌ها! (پیلو راه خود را به سمت او احساس می‌کند، ناشیانه در عجله. سقوط و غرش از چرخ‌های زیر صندلی.)

پیلو آخ!

او می‌ایستد و زانوی خود را می‌مالد.

لوسین چیه؟

پیلو احساسش می‌کند.

پیلو صندلی!

او دور آن حرکت می‌کند و ادامه می‌دهد. سقوط دوباره و شکستن شیشه.

لوسین

حالا چی بود؟

پیلو

میز!

او با احتیاط به جلو حرکت می‌کند.

لوسین

سریع، عزیزم!

او فنرهای تخت را به صدا درمی‌آورد.

پیلو

شامپاین... یخ زیر پا...! (در قدم برداشتن خود دچار لغزش می‌شود). آه! آه! (او برای نجات خود به چیزی دست می‌اندزد. صدای جرینگ جرینگ و پاره کردن.)

لوسین

پرده‌های زرشکی؟

پیلو

پرده‌های زرشکی!

لوسین

هرگز نگران پرده‌ها نباش!

پیلو

دارم می‌آم، بوف^۱ کوچیک من!

شلوارش را تا مچ پا پایین می‌آورد.

لوسین	کجایی!
پیلو	اینجا، دُرسهٔ برفی ^۱ کوچیک من! (پیلو سعی می‌کند به سمت او حرکت کند و با سر سقوط می‌کند.) زیر پای تو! (لوسین زانو زده و به او کمک می‌کند تا بتواند در آغوشش بگیرد.)
لوسین	آه، جوجه‌تیغی خاردار ^۲ من! دکمه‌های آخر رو باز کن!
پیلو	بله!
لوسین	آخرین غزن‌ها رو باز کن!
پیلو	بله، بله!
لوسین	مال توأم!
آنها روی فرش در هم فرو می‌روند.	
پیلو	صبر کن!
لوسین	بدون یه لحظه توقف!
پیلو	شوهرت!
لوسین	نه - در رو قفل کردیم! یادته؟

۱- Snow Bunting نوعی دانه‌خوار سیاه که بومی خاور آمریکای شمالی بوده و در تابستان سفید است.

۲- Hedgehog

پیلو روی پاهای خود می‌پرد و اشاره می‌کند، فنرهای
تخت خواب غوغا می‌کنند.

تو افق!

پیلو

تو افق؟ (او می‌پرد، فنرهای تخت در حال صدا دادن هستند. پیلو
شلوار خود را بالا می‌کشد.) کجا؟ کجاست؟

لوسین

ابری از غبار! در حال آمدن از این راه!

پیلو

آنها جفت می‌شوند، روی تشک ناپایدار عقب و جلو
می‌کنند. همان‌طور که آنها جفت هستند و روی
تشک محکم می‌پرند، حالت فنری فنرهای تخت از
بین می‌رود.

/این شوهرمه؟

لوسین

البته که شوهرت نیست!

پیلو

تو گفتی شوهرمه!

لوسین

از دهنم پرید.

پیلو

ممکنه شوهرم باشه.

لوسین

شوهرت نیست!

پیلو

پس، کیه؟

لوسین

پیلو کاروان در حال عبور. مهمونی بادیه‌نشین سرگردان. لژیون^۱ بیگانه.

خیره می‌شوند. لوسین دراز کشیده‌است.

لوسین دراز بکش.

پیلو دراز بکش، بله!

دراز می‌کشد.

لوسین سریع!

پیلو واسه هر مورد.

لوسین واسه هر مورد.

پیلو ممکنه ما رو نبینن!

لوسین ممکنه یه فرصت دیگه پیدا نکنیم!

لوسین / او را در آغوش می‌کشد.

پیلو چیه؟

لوسین	چی؟ (می‌نشینند.) چه کار می‌کنی؟
پیلو	تو چی کار می‌کنی؟
لوسین	اکتشاف ما!
پیلو	در مورد چی حرف می‌زنی؟
لوسین	از باغ‌های بهشت!
پیلو	دیوونه‌ای؟
لوسین	گفتی که ما سی دقیقه دیگه فرصت داریم!
پیلو نگاهش می‌کند.	
پیلو	اون الان وسط راهه.
لوسین	اون؟
پیلو	اونا.
لوسین	تو وسط راه اینجاست؟
پیلو	تو وسط راه اینجا!
لوسین	ما هنوز پونزده دقیقه وقت داریم!
پیلو	بله...
لوسین	دراز بکش!

او بین افق و لوسین به عقب و جلو نگاه می‌کند.

پیلو بله... سریع، پس.

شلوارش را پایین می‌کشد و دراز می‌کشد.

لوسین سریع، سریع!

لوسین دست‌های خود را دور او می‌اندازد.

پیلو دستای خودتو موج نده!

لوسین آه، راسوی مودی^۱ من! (پیلو سرش را بلند می‌کند).
چیه؟

پیلو او نزدیک‌تر می‌شود.

لوسین این اون نیست.

پیلو می‌دونم که... نزدیک‌تر و نزدیک‌تر.

لوسین اون نیست، این اون نیست!

پیلو مته یه قطار در حال نزدیک شدن. موج جزر و مد. یه توفان.
چیزی تو رویا...

لوسین	پونزده دقیقه! گفتی!
پیلو	ده، حالا. نه. هشت. (بلند می‌شود به حالت خمیده و شلوارش را بالا می‌کشد.) می‌خوایم چی کار کنیم؟
لوسین	ما می‌دونیم چه کاری می‌کنیم!
پیلو	چی؟ چیه؟
لوسین	تو گفتی!
پیلو	چی گفتم؟
لوسین	اکتشاف ما رو تموم کنی.
پیلو	بله، بله.
لوسین	از باغ‌های بهشت.
پیلو	بله، بله، بله و بعدش...؟
لوسین	دکمه‌هامون رو دوباره باز کنیم.
لوسین چنین می‌کند.	
پیلو	بله - دکمه‌های خودت رو دوباره باز کن!
لوسین	غزن‌های ما را دوباره باز کنی.
پیلو	سریع، سریع! (پیلو نگاهی دیگر به او می‌اندازد.) پنج دقیقه.
لوسین	و تا وقتی که اون می‌رسه، ما با خوشحالی درگیر یه پیگیری کاملاً بی‌گناه می‌شیم. آره؟

پیلو	بله... چیه؟
لوسین	منظورت چیه از چیه؟
پیلو	با چه پیگیری کاملاً بی‌گناهی با خوشحالی درگیر می‌شیم؟
لوسین	تمرین کردن!

لوسین بالا می‌پرد.

پیلو	تمرین کردن؟
لوسین	همون چیزیه که گفتی.
پیلو	منظورم این نبود —
لوسین	منظورت چی بود؟
پیلو	منظورم، هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم —
لوسین	هیچ‌وقت فکر نکردی چی؟
پیلو	تمرین کردن؟
لوسین	تو گفتی!
پیلو	اینجا؟ وسط کویر؟
لوسین	بی‌خیال. ما در رو باز می‌کنیم...
پیلو	خیلی آدم رو دیوونه می‌کنه!
لوسین	کاملاً دیوانه‌وار! ما در رو باز می‌کنیم...

پیلو من از درگیر شدن تو این امر امتناع دارم!
لوسین پس چی کار کنیم؟

پیلو دوباره نگاه می‌کند.

پیلو اون ایستاده!
لوسین ما رو دیده!
پیلو بی خیال، پس!
لوسین چیه؟
پیلو تمرین، تمرین!
لوسین پس، در رو باز می‌کنیم...
پیلو در را باز می‌کنیم... (او در را باز می‌کند. هیچ صدایی ندارد.) ما
وارد شدیم -
لوسین صبر کن، صبر کن!
پیلو این چیه؟

لوسین در را عقب و جلو می‌کند.

لوسین سر و صدا نمی‌کنه!
پیلو سر و صدا اصلاً مهم نیست! فقط در بسته باشه! (در را می‌بندد.)

هیچ صدایی ندارد. نگاهی به افق می‌اندازد. پس، در رو قفل می‌کنیم... در رو قفل نمی‌کنیم... در رو قفل می‌کنیم...

لوسین کدوم؟

پیلو فراموشش کن. چند خط پیش رو می‌گی. چی می‌گی؟

لوسین قطع شده!

پیلو برش گردون!

لوسین یادم نمی‌آد چی بود!

پیلو یادت نمی‌آد؟

لوسین چی بود؟

پیلو ایده‌ای ندارم!

لوسین پس ما چه کار می‌کنیم؟

پیلو /اون چی کار می‌کنه؟

لوسین واسه /اون نگران نباش!

پیلو اونجا وایستاده.

لوسین نگاه نکن!

پیلو نگاه نمی‌کنم!

لوسین هرگز به مخاطب نگاه نکن.

پیلو می‌تونم اون رو بدون نگاه کردن ببینم!

لوسین بهش فکر نکن!

پیلو بهش فکر نمی‌کنم!

خیلی خوب ، دوباره شروع کن ، پس . ما وارد شدیم .	لوسین
وارد می شویم .	پیلو
در رو می بندیم .	لوسین
در رو می بندیم .	پیلو
در رو قفل می کنیم ... در رو قفل نمی کنیم ...	لوسین
او می رود .	پیلو
رفتن ؟	لوسین

نگاه می کنند .

پس اون نبود .	پیلو
می دونستم که اون نیست !	لوسین
بهت گفتم که اون نبود !	پیلو
نمی دونم چرا فکر کردی اونه !	لوسین
گفتم اون نبود !	پیلو
گفتی اون نبود ، اما فکر می کنی این اون بود !	لوسین
به هر حال ، اون می ره .	پیلو
پس کی بود ؟	لوسین
بادیه نشینان سرگردان .	پیلو

لوسین

چرا اون رفت؟

پیلو

فکر می‌کرد ما لژیون خارجی هستیم.

لوسین

پس...

پیلو

پس...

لوسین

حالا چه کار کنیم؟

پیلو

منتظر می‌مونیم تا اون دوباره تو افق ناپدید بشه. چون از اونجایی که ایستادیم، سرهامون یک متر و نیم از سطح زمین فاصله داره، افق چهار و نیم کیلومتر دورتره. و... (او دوباره فرش را پهن کرده و به لوسین کمک می‌کند تا روی آن بنشیند.) از جایی که نشسته‌ایم، در حالی که سرهامون هفتاد و پنج سانتیمتر بالاتر از سطح زمینه، فقط دو کیلومتر و دویست و پنجاه متر فاصله داره و از یه نقطه پایین‌تر... (او را آرام روی فرش ولو می‌کند.) ... با سرهای ما صفر متر بالاتر از سطح زمین، واسه من خیلی نزدیکه که بتونم محاسبات ریاضیاتی کنم، لازم نیست خیلی طولانی منتظر بمونیم. (می‌نشیند.) اصلاً نباید منتظر بمونیم!

لوسین

چه اتفاقی افتاده!

پیلو

اون رفته!

لوسین

الان؟

لوسین می‌نشیند.

پیلو

ناپدید شد!

لوسین	بالای افق؟
پیلو	اینجا هیچ جای دیگه‌ای واسه رفتن وجود نداره! اما اگه اون وایستاده باشه -
لوسین	اون نشسته!
پیلو	حتی اگه نشسته باشه -
لوسین	اون دراز کشیده!
پیلو	دراز کشیده؟
لوسین	باید باشه!
پیلو	چرا باید دراز بکشه؟
لوسین	چرا ما دراز کشیده بودیم؟
پیلو	چون منتظریم!
لوسین	اون منتظره!
پیلو	اما ما منتظر ناپدیدشدن اونیم!
لوسین	اون منتظر ناپدیدشدن ماست!
پیلو	اما چرا اون منتظر ناپدیدشدن ماست!
لوسین	چرا منتظر ناپدیدشدن اونیم؟
پیلو	چون که...
لوسین	دقیقاً!
پیلو	اما... ما دو نفریم!
لوسین	دو نفرِ اون!

پیلو	دو نفر از او؟
لوسین	البته. واسه همین دلیل اون رفت.
پیلو	این اون نیست!
لوسین	البته که اوست!
پیلو	اون و کی؟
لوسین	اون و اون لاشی.
پیلو	دوشیزه بیبت؟
لوسین	اون گاو چاق!
پیلو	این دوشیزه بیبت نیست!
لوسین	یه لحظه پشت می کنم!

لوسین روی پاهایش می ایستد.

پیلو	صبر کن! توقف! بیا به این فکر کنیم!
لوسین	به این فکر کنیم؟ در حالی که اونا تو گرد و غبار با هم می گردن؟
پیلو	اونا تو گرد و خاک با هم نمی گردن! اونا دوباره روی پاهاشون وایستادن!

آنها نگاه می کنند.

لوسین	اوه، حالا آشکارا خودنمایی می کنن، اینان؟
پیلو	نه، اونا دیدن اومدی.
لوسین	و اونا فرار می کنن!
پیلو	اونا به سمت ما می آن.
لوسین	به سمت ما قدم می زنن؟
پیلو	اونا قصد دارن بلوف بززن.
لوسین	به اونا بلوف می زنم!
پیلو	اگه اون نباشه چی می شه؟
لوسین	این اونه.
پیلو	یا اگه اون باشه، اما اون (بیبت) نباشه؟
لوسین	می دونم که اونه (بیبت)!
پیلو	اگه اون و مادرش باشن؟

مکث.

لوسین	اون و مادرش؟
پیلو	واسه همه چیز می دونیم.

مکث. آنها به زوج در حال نزدیک شدن خیره می شوند.

لوسین	مادرش؟
پیلو	خاله‌اش. مادر بزرگش.
لوسین	مادرش ازم متنفره.
پیلو	ممکنه مادرش باشه.
لوسین	هیچ چی واسه‌اش بهتر از این نیست که منو دستگیر کنه.
پیلو	این نمی‌تونه مادرش باشه!
لوسین	مادرشه.
پیلو	دوشیزه بیبته!
لوسین	کسی غیر از اون و این نیست.
پیلو	این مرد احمقه.
لوسین	اون یه بار بهم گفت که تو اوین لو بن ^۱ درمان شده. اون تو اوین لو بن درمان نمی‌کرده. اون تو حومه پاریس با مادرش در حال چای خوردن بود!
پیلو	پس ما چه کار کنیم؟
لوسین	یه نگاه!
پیلو	یه نگاه؟
لوسین	یه نگاه، یه نگاه! اونا فکر می‌کنن که ما یه سراپیم ^۲ !
پیلو	نمی‌تونم یه نگاه کنم!
لوسین	بی خیال.

۱- Evian Les Bains

۲- Mirage یک چیز خیالی

پیلو	نمی تونم!
لوسین	تلاش نمی کنی!
پیلو	دارم سعی می کنم!
لوسین	من نگاه می کنم!
پیلو	تو یه بازیگری!
لوسین	بازیگر نیستم! سرابم!
پیلو	نمی تونم سراب بودن رو بازی کنم!
لوسین	بازی نکن! باش!
پیلو	صدای قدم‌های اونا رو می شنوم!
لوسین	سراب‌ها چیزی نمی شنون!
پیلو	سراب‌ها با نزدیک شدن مردم ناپدید می شن!
لوسین	در حال ناپدید شدن یم!
پیلو	ناپدید نمی شیم!
لوسین	دارم ناپدید می شم!
پیلو	من نیستم!
لوسین	تو هستی! تو داری! ناپدید شدی!
پیلو	چشم‌هات رو بستی!
لوسین	هنوزم می تونی منو ببینی؟
پیلو	بله.

لوسین	چشم‌هات رو ببند.
پلو	چشم‌هام رو ببند...
لوسین	بسته‌ان؟
پیلو	بله.
لوسین	آیا من ناپدید شدم؟
پیلو	هر دو ناپدید شدیم.
لوسین	بهت گفتم.
پیلو	اینجا می‌آن...

مکث. سپس ناله باز شدن در. لوسین و پیلو هر دو
چشمان خود را یک‌باره باز می‌کنند و دلیل کنش را
دنبال می‌کنند.

صدای دودین	اون اومده اینجا! اونو دیدم!
صدای بیبت	اما، آقای کلوش، چرا همسرت باید به این هتل بیاد، با این همه وسایل زرشکی؟
صدای دودین	چون، کرم شب‌تاب ^۱ کوچیک من... (ناله بسته شدن در). ... اون شک می‌کنه! اون ممکنه قایم بشه... (جیر جیر باز شدن در کمد لباس. پیلو بیرون می‌پرد). ... تو کمد لباس.
صدای بیبت	تو کمد لباس؟

صدای دودین نه. (جیر جیر بسته شدن کمد لباس.) یا پشت صندلی...؟ (سرو صدای چرخ‌های صندلی. پیلو دوباره از مسیر حرکت می‌کند.) یا زیر میز...؟

صدای دودین و بیبت (با هم) وای!

صدای دودین ...پشت پرده‌ها...؟ (صدای جرینگ جرینگ حلقه‌های پرده.) نه، پس - اینجا ییم! سرانجام با هم تنها!

صدای بیبت او، آقای کلوش!

صدای دودین او، زنبور عسل^۱ کوچیک من!

غوغای فنرهای تخت.

صدای بیبت چراغ‌های برق!

صدای دودین چراغ‌های برق؟

صدای بیبت چراغ‌های برق رو خاموش کن.

غوغای فنرهای تخت.

صدای دودین کلید کجاست، هزار پای^۲ کوچیک من؟

لوسین کنار در!

۱. Bumblebee

۲. Centipede

صدای دودین کنار در...

پیلو به سرعت جهش می‌کند. کلیک.

صدای دودین تاریک! کجایی، ساس^۱ کوچولوی من؟ اوه، اینجاایی! بذار سرم رو تو آغوش فرو کنم...

صدای بیبت اینجا، آقای کلوش!

غوغای فنرهای تخت.

صدای دودین اونجایی؟ پس این آغوشی که سرم رو توی اون فرو بردم...؟

لوسین همسرتَه!

دودین نفس نفس می‌زند. بیبت فریاد می‌زند.

لوسین پس دوباره اون رو هوشمندانه بگرد و اونو جایی قرار بده که بتونم دست روی اون بذارم!

لوسین یک سیلی قابل توجه در هوا روبه روی او می زند.
دودین فریاد می زند.

لوسین

بیرون با مادر پیر بیچاره‌اتی، نه؟ خب، اون مطمئناً انقدر
پیر شده که مادرت باشه! کجایی، گربه کوچولو - می‌خوام
چشم‌هات رو در بیارم!

بیبت گریه‌ای از درد سر می‌دهد. لوسین دنبال
بیبت و دودین نامرئی است، باران ضربات روی آنها.
پیلو زیر فرش پیک‌نیک پوشش گرفته.

صدای دودین

صبر کن! دست نگه دار! می‌تونم همه چیز رو توضیح بدم...!
به عنوان تهیه‌کننده، احساس دوشیزه بیبت نیاز به یه کمی
تمرین بیش‌تر داره...!

لوسین

خوک! جنده! گاو! منحرف!

صدای دودین

احساس کردم یه رویکرد آروم و غیررسمی... (صدای چرخیدن
صندلی). آه! پام!

لوسین

تلاش واسه پنهون شدن فایده‌ای نداره! همه مخفیگاه‌هارو
می‌دونم!

صدای دودین

... در محیطی آروم و قابل قبول... (صدای میز که حرکت
می‌کند). آه! چلاق شدم!

صدای بیبت

اینجا! آقای دودین! (صدای درب مخفی که به طور چشمگیری
باز می‌شود). در مخفی! سریع، سریع!

صدای بسته شدن آن. سکوت.

لوسین اونا کجان؟

چراغ‌ها را روشن می‌کند. کلیک.

پیلو زیر فرش پنهان شده.

پیلو (نامرئی) نه، چون اونا از در مخفی به اتاق ۳۲۳ رفتن!

لوسین (از نامرئی بودن خود بی‌خبر) کجاست؟

پیلو ما نمی‌دونیم! نکته همینه!

لوسین تو می‌دونی! تو اونو نوشتی!

پیلو من صحنه رو نساختم!

لوسین خدای من، وقتی به صدها باری فکر می‌کنم که به /اون وفادار بودم!

پیلو عشق من، اونا به راحتی تمرین می‌کردن!

لوسین تمرین کردن؟ به اونا یه تمرینی بدم! به اونا تمرین می‌دم! همین جا روی فرش مقابل شون...! کجایی؟

پیلو اینجا. (به نظر می‌رسد لوسین سرگردان/است.) اینجا! ببین! اینجا! اینجا...!

لوسین نمی‌تونم تو رو ببینم!

پیلو	آه خدای من!
لوسین	چیه؟ چیه؟
پیلو	خودم رو نمی بینم! (لوسین جیغ می کشد.) منو لمس کن، لمسم کن!
لوسین	اما کجایی؟
پیلو	اینجا! اینجا! (لوسین احساس می کند در هوای خالی است.) منو لمس کن! لمسم کن! صورتم رو لمس کن! (لوسین احساس وحشت می کند.) می تونی اونو احساس کنی؟
لوسین	هیچی! یا شاید... بله... چیزی.
پیلو	چیزی؟
لوسین	چیز بسیار نرم، مژه هوا. هوای گرم. دستام رو حس می کنی؟
پیلو	شاید. شاید این دستای تو باشه. مثل تماس نسیم روی من. نسیم گرم کویر. لطیف ترین لمس رو داری!
لوسین	چی؟ چی کار می کنی؟
پیلو	سرم رو تو آغوش خودت فرو بردی!
لوسین	بله! آره! اما تو تاریکی! جایی که نمی بینم نمی تونم تو رو ببینم! تو اینجا! (او در سبد پیک نیک را باز می کند.) سریع! وارد شو! وارد شو! صبر کن! (او یک بطری شامپاین، میوه و غیره را از سبد بیرون می اندازد.) ادامه بده، پس... (صدای خرد شدن شیشه.) چیه؟
پیلو	من روی گیلای های شامپاین قدم زدم...
لوسین	فقط روی اونا نشین... تو داخلی؟

پیلو من ، هستم...! و ، گنجیشک کوچیک من ، فکر می کنم بالاخره موفق شدیم!

لوسین موفق شدیم؟

پیلو تو انتزاع خودمون از واقعیت دردناک شرایط! بی خیال ، بی خیال!

او وارد سبد می شود.

لوسین پیلو!

پیلو لوسین!

لوسین محکم منو نگه دار ، گران بها!

پیلو هرگز رهاات نمی کنم ، عزیزم!

پیلو بیشتر و بیشتر وارد سبد می شود.

لوسین محکم تر ، نازنینم ، محکم تر!

پیلو بله؟

لوسین بله! (درب سبد دوباره در جای خود قرار می گیرد. او ناپدید شده/ست.) هنوز نمی تونم ببینمت...

پیلو سرمونو بگیر زیر پتو...

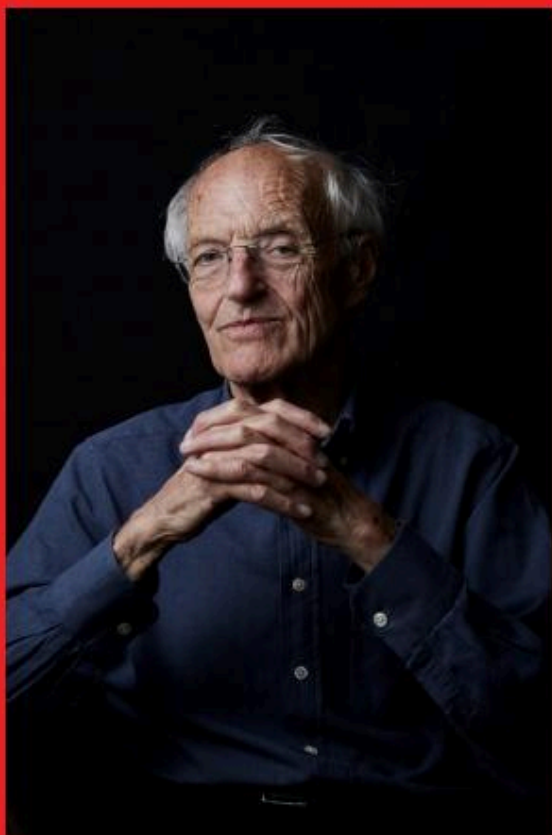
لوسین لحظه‌ای درب سبد را باز می‌کند و شروع به حلقه کردن فرش بعد از آنها می‌کند. درب آن بسته می‌شود.

پیلو و لوسین (با هم) بالاخره تنها با هم!

پرده.

The Hotel Crimson: Michael Frayn

Translation: Massoud Khani



مایکل فرین متولد ۱۹۳۳ در لندن و مسلط به زبان‌های روسی و فرانسه و تحصیل کرده در رشته علوم اخلاقی کالج امانوئل کمبریج است. کار خود را به عنوان روزنامه‌نگار در روزنامه‌های گاردین، منچستر و آبزرور آغاز کرد. بسیاری از نمایشنامه‌های او برنده جوایز مختلفی شده‌اند. کم‌دی‌های او شاخصه‌های جذابی دارد که بیشتر از طنز، خلاقیت را در معرض دید بیننده قرار می‌دهد. او جوایز تونی و مولیر را هم برای دو اثر شاخص خود به دست آورده است. وی نمایشنامه‌های چخوف را نیز به انگلیسی ترجمه کرده‌است. رمان‌های جذاب و خواندنی‌اش موضوعاتی را دست‌مایه قرار می‌دهد که در نگاه اول

برای یک رمان چندان جالب به نظر نمی‌رسد. او کتاب‌هایی در حوزه فلسفه هم به رشته تحریر درآورده است.

«هتل کریمسون» فارسی خودانتقادی از جهان پشت‌صحنه تئاتر است، جهانی که در آن گویا آفرینشگران ضعیف‌های خود را چون قوت خلاقانه‌اشان درون آثار خود بازنمایی می‌کنند و حال فرین تلاش می‌کند از منظر شوخ‌طبعانه و البته با آزمودن گزاره‌های اخلاقی مرسوم میان عوام، تصویری حک‌شده در ذهن عموم را بازنمایی می‌کند، از رابطه نامشروع و شاید منفعت‌طلبانه میان یک نمایشنامه‌نویس و یک بازیگر زن که در بستر اثر فرین به هجویه‌ای بر جهان خود نویسنده بدل می‌شود.

